

بنیاد قم پژوهی / ۶

تختہ الفاطمیین

فی ذکر احوال قم والقمیین

حسین بن محمدی قس (مفسر)

(۱۳۰۵-۱۳۶۷ ق)

جلد سوم

تحقیق

محمد حسین درایتی

با اشراف

سید محمود مرعشی نجفی

سرشناسه :

پدیده آورنده : قمی، حسین بن محمد حسن، ۱۳۰۵-۱۳۶۷.

عنوان : تحفة الفاطمیین فی ذکر احوال قم و القمیین

تکرار نام پدیدآور : مؤلف حسین بن محمد حسن قمی

مشخصات نشر : قم : نور مطاف، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴ ج.

بها : ۷۰۰۰۰۰ ریال (دوره)

(جلد سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : مندرجات : ج ۱.

موضوع : قم - تاریخ

موضوع : شعر فارسی - ایران - قم

موضوع : اربعینات - قرن ۱۴

موضوع : قم - احادیث

شناسه افزوده : درایتی، محمد حسین، ۱۳۴۳ - محقق

شناسه افزوده : مرعشی، محمود، ۱۳۲۰ -

رده کنگره : ۱۳۸۱، ۳۳۰ ت ۵ خ / ۲۱۱۳ DSR

رده دیوبی : ۲۸۰ / ۹۵۵

شماره مدرک : ۱۲۱۲۳۹

ISBN : 978 - 964 - 7891 - 83 - 7

ISBN : 978 - 964 - 7891 - 87 - 5

ج ۴.

ج ۳.

ج ۲.

ج ۱.

نیاور

نام کتاب : تحفة الفاطمیین فی ذکر احوال قم و القمیین

مؤلف : حسین بن محمد حسن قمی (مفلس) (۱۳۰۵ - ۱۳۶۷ ق)

تحقیق : محمد حسین درایتی

با اشراف : سید محمود مرعشی نجفی

با همکاری : علی علیزاده

ناشر : نور مطاف

صفحه آرای : محمد کریم صالحی

طرح جلد : حسن فرزائگان

نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۱

شمارگان : ۲۰۰۰

چاپخانه : ستاره

قیمت دوره : ۷۰۰۰۰۰ ریال

شابك دوره : ۷-۸۳-۷۸۹۱-۹۶۴-۹۷۸

شابك جلد ۳: ۵-۸۷-۷۸۹۱-۹۶۴-۹۷۸

نشانی : قم، خ شهدا، ک ۲۲، پ ۷۲، ت: ۷۸۳۱۳۸۱-۰۲۵۱

فهرست اجمالی

۷	دیباچه مؤلف
۱۳	مقصد اول: در ذکر حکمای بلدة طیبه قم
۱۹۷	مقصد دوم: در ذکر ترجمه حالات سیرای قم و منتخبی از اشعار ایشان
۵۳۷	فهرست تفصیلی مطالب

www.ketab.ir

[دیباچه مؤلف]

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایشی افزون از حوصله شماره و برون از تعداد ستاره، نیاز بارگاه جلال خداوندی است که زبان را بیان داده و جسم را روان کسوت نور بر پیکر ماه و هور کرده و تراجع شهر بر اعوم و دهور داده. از نون و کاف، عالم آفرید و از آب و خاک، آدم و به قدرت کامله از لیه رحمت شامله ابدیه و حکمت بالغه سرمدیه، کتاب وجود انسان را تدوین به تدوین ایجاد نمود، که «إِنَّ الْكِتَابَ لَفِي عِلِّيْن»^۱ و صیاحیف ظرایف اوراق هستی وی را مشحون از علوم غیر متناهی غیب و شهود فرمود، که «هو العالم الغیب والشهادة»^۲ و کنز مخفی اسرار را به ودیعت در این گنجینه، به امانت گذارد، که «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۳ پس به سبب بسط رحمت و شرف فیض و نعمت، قرآن حمید و مجید را که شرحی ظاهر و تبیینی باهر است، گنج نامه این دَفینه مخزونه قرار داد «كِتَابٌ مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»^۴ که گمراهان وادی ضلالت و گرفتاران تیه جهالت را دلیل و رهنما گردد به حقیقت کمال انسانیت. و نوع انسان را بر صنوف حیوان از جهت قوه ناطقه و ادراکات کلیه، مزیتی به سزا بخشید تا آن که حاصل امانت منیه کرد و به همین عطیتش بر آسمان و زمین مزیتش داد.

۱. سورة مطففين، آیه ۱۸: «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيْن».

۲. سورة انعام، آیه ۷۳: «غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ».

۳. سورة احزاب، آیه ۷۲.

۴. سورة مطففين، آیه ۹ و ۱۰.

آسمان بارِ امانت نتوانست کشید
قرعه فال به نام من دیوانه زدند
فحمد الله، ثم حمداً له، که شمع هدایت در راه ما بر افروخت و گنج معرفت در
سینه ما بیندوخت، دل ما را جویای خود کرد و لسان ما را گویای خود نمود.

آن خداوندگار بی مانند	آن برآزنده سپهر بلند
آفریننده خزاین جود	مبدع آفریدگار وجود
نام او کابتدای هر نام است	اول آغاز و آخر انجام است
لطف او بینوا، نوازنده	قهر او نازنین، گدازنده
ناکسان را به لطف خود کس کرد	خاک را قبله مقدس کرد
گر نبود از او عنایت پاک	کی شدی تا جدار مستی خاک
کفر و دین در رهش همه پویان	«وحده لا شریک له» گویان
نقش بند بران عالم اوست	نقش دان درون دل ها اوست
هر گیاهی که از زمین رویا	«وحده لا شریک له» گوید
او دهد صبح را شب افروزی	روز را مرغ و مرغ را روزی
او سپرده به آفتاب و به ماه	دو سرا پرده سفید و سیاه
به یک اندیشه، کار بنماید	به یکی نکته، کار بگشاید

و درود غیز معدود بر آن سر سلسله وجود و اصل هر درجه، حبیب حضرت
معبود و برگزیده خداوند و دود، قائد ارباب معرفت و سلوک، و مالک رقاب
اصحاب سلطنت و ملوک، که رتبه ربوبیت را در مرتبه عبودیت پنهان داشت و
شوکت سلطنت را در کسوت فقر آشکارا نمودی؛ گمشدگان تیه نفسانی و
سرگشتگان بادیه اغوای شیطانی را از گرداب هولناک ضلالت به ساحل نجات
رسانید، مدینه العلمی که شهر پناه عدلش یا جوج ظلم را چون سد سکندر در دیوار
حجاب چیده و در عمارت ارکان دین که شهرستان ملت را حصن و حصین است
جداری از اشاره «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ»^۱ کشیده، نامه رسالتش را از غایت احترام مهر

نبوت بر پشت و خامه نبوتش را از «وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ»^۱ خاتم فرمان
روایی در انگشت. خمود آتشکده فارس از زلال بحر کمالش نشانه، و انتفای لوث
آثار دین مجوس از رشحاتِ سحاب جلالش نمونه؛ اعنی آن سایه خورشید ذات و
آن آفتاب جمله ممکنات، شکوفه باغ «لولاک» و ثمره شجره افلاک، دایر دیار
«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى»^۲، مسافر فضای «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^۳ مسند نشین «وَلَسَوْفَ
يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرَضَى»^۴، ناطق «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى»^۵، ناظر «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى»^۶،
صدر نشین صفة «كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ»^۷، مخاطب خطاب «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ
إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۸، نبینا ونبی الکوین، سیدنا و سید الثقلین، النبی بالسیف، والمکرم
للضیف، المبعوث علی الأحمر والأسود صاحب الشرف والمجد، المجمود الأحمد،
أبی القاسم محمد، صلّی الله علیه و آله و سلّم.

خواجه انبیا بر شرف	گوهر وحی را ستوده صدف
فیض اول، معلّم جمیع	ضارب سیف و صاحب تنزیل
شاه مکی، محمد عربی	شرف آموز هر ولی و نبی
بوالبشر را یکی ستوده خَلَف	مخلف بخش انبیای سَلَف
فقر را فخر از اوست بر شاهی	شاه بر هر لی مع الهی
زان نبود آشکار سایه او	که بر از هر بود پایه او
شاه پیغمبران به تیغ و به تاج	تیغ او شرع و تاج را معراج

۱. سورة احزاب، آیه ۴۰.

۲. سورة اسراء، آیه ۱.

۳. سورة نجم، آیه ۹.

۴. سورة ضحی، آیه ۵.

۵. سورة نجم، آیه ۳.

۶. سورة نجم، آیه ۱۷.

۷. عوالمی الاکبری، ج ۴، ص ۱۲۱، ج ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، ح ۱؛ وج ۱۸، ص ۲۷۸.

۸. سورة انبیاء، آیه ۱۰۷.

همه هستی طفیل، او مقصود
اولین گل که دامنش بفشرد
امر و نهیش به راستی موقوف
گر چه ایزد گزید از دهرش
ز آفرین بود نور بینش او
این جسد را حیات از آن جانست
نفسش بر هوا چه مشک فشاند
کرد ناخن بزی انگشتش
آفرین کرد آفریننده
چون نگجید در جهان تاجش
اندر آمد باری خدا
او سری بود و عقل، کرد او
همه شاگرد و او مدرّس شان
غرض «کن» ز حکمت ازل اوست
آمد اندر جهان، جهان هر کس
پس از ستایش خداوند پاک، و درود نامعدود از حضرت ودود، الی یوم
الموعود، بر آن قطب دایره وجود، و مرکز محیط جود، امیر البررة، و قاتل الکفرة،
و قاتل الفجرة، زوج البتول، و ابن عم الرسول، و سیف الله المسلول، عین الله الناطرة،
و یده الباسطة، قاصم ظهر المشرکین و الکفار، و قاسم الجنة و النار، مظهر العجائب،
و مظهر الغرائب، أسد الله الغالب، علی بن ابي طالب، صلوات الله و سلامه علیه و علی
آله الطاهرين.

مرحبا ای علی عمرانی
ثانی و اول از ادب دور است
دست حقّی و بوالبشر ز تو حی
ای رسول خدای را ثانی
که دو تا جلوه و یکی نور است
گفت حق زان خلیفه بیدی

خاکیان را بزرگ بابی تو زان ملقب ببه بوتراپی تو
ضرب تیغت به خندق و به حنین افضل من عبادة الثقلین
پاک گشتی ز لوٹ امکسانی متصف بر صفات سبحانی
چون نصیری ترا نیافت شریک گشت حیران، فتاد در تشکیک
که خودی ظلمت است و حاجب نور چون خودی شد، خدای کرد ظهور
عشق را بحر بود و دل را کان شرع را دایه بود و دین را جان
او ز خصمان چه نام بود از ننگ او ز مردم چه لعل بود از سنگ
نام تو کرده در ولایت علم علی از علم و بو تراب از حلم
تاج حکمت گذشته از پروین تخت علمت نهاده بر در دین
فلکی، ای ملک ترا به رکوع یازده کوکب از تو کرده طلوع
متصف جمله بر صفاتی تواند همه آیینه‌های ذات تواند
از خدا بر تو و به آنی که را باد هر دم دو صد درود و سلام

و بعد، به عرض برادران دینی و اخوان روحانی می‌رساند، حسین بن محمد حسن القمی - عفی الله عن جرائهما - که چون جلد اول از کتاب تحفة الفاطمیین سمیت اتمام پذیرفت، اکنون در جلد ثانی شروع نمودیم. در ذکر ترجمه احوال حکما و شعرای بلدة طيبة قم و منتخبی از اشعار ایشان است که در این مجموعه جمع آوری نمودم و به اعتقاد خود آنچه را که راجح یافتیم، نوشتم و آنچه را که انتخاب کردم، نگاشتم.

و مشتمل است این کتاب بر دو مقصد و خاتمه.